

جایزه ادبی «جلال» (جلال آل احمد) یکی از جایزه‌های ادبی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که به منظور معرفی آثار برگزیده ادبیات داستانی در ایران پایه‌گذاری شده است. این جایزه که به نام جلال آل احمد نویسنده مشهور ایرانی نام‌گذاری شده و از سال ۱۳۸۷ شروع به کار کرده است، گران‌ترین جایزه ادبی ایران است. ابتدا قرار بود این جایزه به برگزیدگان خود ۱۱۰ سکه بدهد که در اولین دوره برگزاری خود، اعلام کرد در هیچ‌کدام از رشته‌های داستان کوتاه، رمان، نقد ادبی و تاریخ، برگزیده ندارد و به اعلام آثار شایسته تقدیر اکتفا کرد. این موضوع در سال‌های بعد هم تکرار شد و کم پیش آمده، نویسنده‌ای گران‌ترین جایزه را با خود به خانه ببرد.

هرچند چندسالی است که این جایزه از سکه افتاده، به برگزیدگان تا سال گذشته مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان اهدا می‌کرد و امسال هم قرار بود ۲۵۰ میلیون تومان به برگزیده بدهند که به روال سال‌های قبل، امسال نیز نویسنده‌ای موفق به دریافت گران‌ترین جایزه فقط حمیدرضا اسماعیلی نویسنده «سازمان سیاسی پهیایت» به‌عنوان برگزیده مستندنگاری معرفی شد و هیئت داوران جایزه، در بخش‌های (رمان و داستان و نقد ادبی) به معرفی شایسته تقدیر می‌آه‌ای جایزه ۵۰ میلیونی اکتفا کرد.

این روند باعث شده، برخی این گمانه را مطرح کنند که دبیرخانه برای کاهش هزینه‌ها، قصد ندارد به کسی جایزه بدهد. این موضوع را ایسنا با وجهه سامانی، دبیر علمی جایزه در میان گذاشته است، ووجهه سامانی مدرس داستان و نویسنده آثار همچون «خواب باران»، «آن مرد با باران می‌آید»، «بادبادک‌ها»، «عروس آسمان» و غیره است. در کارنامه او نامزدی چهره هنر سال انقلاب حوزه هنری، برگزیده جشنواره شهید حبیب غنی پور، برگزیده جشنواره داستان انقلاب حوزه هنری، برگزیده جایزه شهید اندرزگو، برگزیده جشنواره نویسندگان جوان وزارت ارشاد و… به چشم می‌خورد. دبیری جایزه «قلم زرین»، دبیری «جشنواره جوان سوره»، دبیری جشنواره داستانی «می‌خواهم بمانم»، همچنین دآوری جشنواره‌های مختلف ادبی از جمله: «جشنواره اشراق»، «جایزه ادبی یوسف»، «کتاب سال دفاع مقدس»، «جایزه قلم زرین»، «جایزه شهید اندرزگو»، «جشنواره تلوزیونی شبکه مستند»، «جشنواره سبک زندگی» و «جایزه ادبی خوندیس» از دیگر سوابق اجرایی او است.که در ادامه پاسخ مکتوب او را به پرسش‌های ایسنا می‌خوانیم:

**در طول ۱۵ دوره برگزاری جلال تنها در چند دوره موفق به انتخاب کتاب برگزیده شده است، این موضوع این بحث را در فضای مجازی و گاه در رسانه‌ها ایجاد کرده که جایزه جلال برای کاهش هزینه‌ها، نویسنده و کتابی را به عنوان برگزیده انتخاب نمی‌کنند. در این باره توضیح می‌دهید که چرا چندسالی کسی گران‌ترین جایزه را به خانه نمی‌برد؟**

اولاً باید بن‌بذیریم داشتن یا نداشتن برگزیده، به نظر و خواست دست‌اندرکاران و متولیان جایزه، دبیر علمی و اهالی رسانه و جامعه ادبی بر نمی‌گردد. بلکه کیفیت و کمیت کتاب‌های موجود در هر دوره، تعیین‌کننده این مطلب است. این فشار و تحمیل از سوی رسانه‌ها در طول زمان دآوری هم وجود داشت که به نوعی دخالت در امر قضاوت و مهندسی کردن دآوری در جهت خواست جامعه ادبی و اصحاب رسانه بود.

در مورد قسمت اول سوال‌تان در جایگاه دبیر علمی پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال و امانتدار آرای داوران، باید به صراحت عرض کنم در طول فرایند دآوری، هرگز محدودیت و منعی در دادن جایزه و هیچ تذکری نسبت به نداشتن برگزیده در جهت کاهش هزینه‌ها نداشتیم. این پرسش نادرستی‌ست که در این مدت از سوی رسانه‌ها زیاد مطرح شد.

حقیقت این است از اولین روز پذیرش این مسئولیت، عمیقاً مایل بودم در هر چهار بخش اصلی جایزه جلال، برگزیده داشته باشم. این را در جلسه اول با داوران گروه‌های چهارگانه مطرح کردم و گفت‌م هم بنده به عنوان دبیر علمی و هم تمام مدیران و متولیان این جایزه ادبی، مایلند این اتفاق بیفتد و از داوران خواستم با این نیت و با این دید و رویکرد به روند دآوری ورود کنند. اما در ادامه و با بررسی دقیق آثار، شرایط به نحوی پیش رفت که حتی در یکی دو بخش، داوران در انتخاب کتاب شایسته تقدیر هم دچار



**دبیر علمی جایزه «جلال» پاسخ داد**

# شایعه برگزیده نداشتن جایزه «جلال» برای کاهش هزینه‌ها!



تردید شده بودند، چرا که آثار به لحاظ تکنیک و ساختار یا محتوی و مضمون دچار ضعف‌های عمده و جدی بود. البته هشدار در مورد این بخش‌ها از ادوار پیش جایزه داده شده بوده و این در بیانیه دبیرعلمی دوره‌های قبل این جایزه هم مستند و موجود است و این ضعف‌ها فقط منوط به این دوره نمی‌شود. مثلاً در بخش نقد ادبی از مجموع پانزده دوره، فقط چهار دوره اثر برگزیده داشسته‌ام و بقیه دوره‌ها فقط اثر شایسته تقدیر معرفی شده است که این نیازمند بررسی و آسیب‌شناسی دقیق در این حوزه است.

در این دوره چون از نزدیک شاهد بررسی دقیق و بحث‌های تخصصی و مشفقانه داوران بودم، می‌توانم ادعا کنم همه تلاش‌شان را برای انتخاب اصـلح آثار کردند. اما به این جمع بندی رسیدند که اگر کتابی با ضعف‌های جدی ساختار یا محتوی را به عنوان برگزیده و برنده گران‌ترین جایزه از کشور معرفی کنند، از یک طرف زیر تیغ تنقیدان و اصحاب رسانه خواهند رفت که چطور چنین اثری برگزیده شده است و شان و اعتبار علمی آن‌ها را زیر سوال خواهند برد. از طرف دیگر، اگر به خیرالموجودین آثار اکتفا می‌شد

و اثری با حداقل امتیازات برگزیده اعلام می‌شد، به نوعی در حق ادبیات جفا شده بود. وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای داوران حکم می‌کرد به جامعه ادبی و دست اندرکاران و متولیان حوزه نشر و کتاب، هشدار بدهند و اعلام خطر کنند تا در این حوزه‌ها آسیب شناسی جدی شود.

**البته در بیانیه هیات داوران اذعان شده که تا رسیدن آثار شاخص و ماندگار راه زیادی در پیش داریم، آیا این موضوع توجه‌ها را بیش از پیش به کتاب‌های ترجمه جلب نمی‌کند؟ آیا بعضف در بخش تالیفی به این معناست که آثار ترجمه در جایگاه رایجی ایستاده اند و آثار قابل توجهی هستند؟**

قطعاً خیر. اگر ما آثار تالیفی‌مان را نقد و آسیب‌شناسی می‌کنیم و به جامعه ادبی این هشدار را می‌دهیم که سطح کیفی آثار پایین آمده و ادبیات داستانی که روزگاری با نویسندگان شهیر خود، با شتاب خوبی به سمت قله در حرکت بود، حالا از سرعت افتاده و دچار نوعی جمود و درجا زدن و فقر محتوی و ضعف ساختار شده، به معنای خوب بودن آثار ترجمه و تشویق به خواندن آن‌ها نیست؛ بلکه هدف دلسوزانه و مشفقانه کارشناسان و داوران، اعلام خطر، آسیب‌شناسی و کمک به حرکت رو به جلو و رشد صعودی ادبیات است تا دوباره در مسیر درست و رو به قله قرار بگیرد.

**همچنین در بیانیه هیئت داوران نسبت به داستان کوتاه نقد بسیاری شده از فقر موضوعی و تا پرداختن به ناهنجاری‌های اخلاقی و بزرگ‌نمایی مسائل. البته این نکته یاد آورد شده است که این موضوع بدون نگاه آسیب‌شناسانه و نفاذانه مطرح شده و با مدعی ادبیات فاصله دارد، منظور شما چه بوده است؟ نگاه‌تان به ادبیات چیست با بهتر است بیرسم ادبیات به نظر شما باید چگونه باشد؟**

ادبیات، زبان گویای هر جامعه و نمایان‌گر احوال روزگار و منعکس‌کننده صفات نیک و بد مردمان آن جامعه است. اما در کنار این که وظیفه دارد همچون آینه‌ای، منعکس‌کننده زشستی‌ها و زیبایی‌ها باشد، باید متعهد هم باشد. یعنی در راستای هدف متعالی و به قصد اصلاح، تیرگی‌ها و رذایل اخلاقی را به تصویر بکشد، نه این که صرفاً رواقنگر محض باشد و با استفاده از قدرت خیال و تصویر، باعث انحطاط

اعلام کرد و ادامه داد: افرادی که صاحب رتبه شدند، اغلب از نسل جوان بودند. این بسیار خوب است که آثار نسل جوان در کنار نویسندگان پخته‌تر دیده می‌شود. در واقع افق روشنی را برای آن‌ها فراهم می‌کند تا بتوانند کار خود را عرضه کنند و امید داشته‌باشند که جایی دیده می‌شوند. نویسنده کتاب «عقیله» با اشاره به افزایش ۹۰ درصدی آثار دریافتی در بخش مستندنگاری گفت: اقبالی که به بخش مستندنگاری شده نشان می‌دهد این بخش جای خود را در ادبیات ایران با می‌کند. همچنین باید توجه داشت که این دوره از جایزه جلال فقط در بخش مستندنگاری برگزیده داشت. این در حالی است که در بخش رمان و همچنین داستان کوتاه اثر برگزیده نداشتیم.

شایسته تقدیر بخش مستندنگاری پانزدهمین دوره جایزه جلال آل‌احمد با تأکید بر لزوم توجه بیشتر به بخش مستند این جایزه ادامه داد: مسئولاتی که می‌توانند به تولید این آثار کمک کنند، توجه داشته باشد حوزه مستندنگاری جای کار بسیاری دارد، همچنین این بخش اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا مبتنی بر کار پژوهشی و تاریخی است و می‌تواند در حل مشکلات فرهنگی اثرگذار باشد.

امین با تأکید بر اهمیت و جایگاه رمان و داستان کوتاه در ادبیات ایران، ادامه داد: نمی‌خواهم ارزش رمان و داستان کوتاه را کم کنم اما مستندنگاری که مبتنی بر کار پژوهشی است، فقط خیال و خیال‌پردازی نیست، مستندنگاری مبتنی بر واقعیت بیرونی است و می‌تواند به انتقال فرهنگی به نسل بعد و تبیین حوادث و مشکلات اجتماعی کمک کند؛ به همین دلیل باید به این بخش توجه بیشتری شود. او ادامه داد: اهالی ادبیات به جایزه جلال اهمیت می‌دهند. من بیش از اینکه نویسنده باشم، شاعر هستم و همیشه دنبال ایسن بودم تا برگزیدگان و منتخب‌های این جایزه را دنبال کنم. قطعاً رسانه‌ها می‌توانند برای معرفی آثاری که انتخاب می‌شوند به جامعه، نقش داشته و اثرگذار باشند. رسانه‌ها می‌توانند حلقهٔ وصل این بخش باشند. جایزه‌هایی مانند جلال مخاطب خاصی دارد و شاید نتیجه این جایزه را باید از راه رسانه‌ها ببینیم.

شایسته تقدیر بخش مستندنگاری پانزدهمین دوره جایزه جلال آل‌احمد درباره اضافه شدن بخشی در حوزه شعر به این جایزه اعلام کرد: جلال آل‌احمد نویسنده بود و همه این تصور را دارند که این جایزه باید مختص نویسندگان باشد. از طرفی در ایران جز کنگره شعر فجر که سالی یک‌بار (به جشنواره فیلم و تئاتر، فجر) می‌شود، رویداد فرهنگی برجسته‌ای در حوزه شعر نمی‌بینم. می‌شود به این جشنواره بخشی برای شعر اضافه شود، زیرا جشنواره حال، جشنواره‌ای ادبی است و شعر هم جزئی از ادبیات ما است. امین با ارائه پیشنهادی دیگر افزود: می‌توانیم کاری مشابه به جایزه جلال در حوزه شعر راهاندازی کنیم. برای مثال به نام یک شاعر برجسته رویدادی را برگزار کنیم زیرا شعر در ایران ریشه‌های عجیبی دارد، مردم شعر را دوست دارند و جا دارد که به شعر بیشتر توجه کنند. مطمئتم شاعران هم از چنین جشنواره‌ای استقبال می‌کنند.

نویسنده کتاب «عقیله» با تأکید بر نقش ناشران در انتشار آثاری که می‌تواند در جامعه مورد استقبال قرار بگیرد، بیان کرد: باید توجه داشت که بخش زیادی از کار را ناشران انجام می‌دهند، کتاب «عقیله» در جشنواره جلال جایزه گرفته و در استان خراسان رضوی هم به عنوان کتاب سال هجدهمین دوره این استان جایزه گرفت. دو تا سه سال نمی‌توانست همین کتاب را توسط هیچ ناشری منتشر کنم، یعنی صرف اینکه می‌گفتند این داستان با سوزه مذهبی نوشته شده‌است، در نتیجه خواننده ندارد، کتاب را منتشر نمی‌کردند. حتی ناشران دولتی که بودجه دولتی دریافت می‌کنند، حاضر به چاپ این کتاب نبودند و نمی‌خواستند روی این کتاب سرمایه‌گذاری کنند. درنهایت‌ترین وضعیت بودم که انتشارات بهنشر حاضر شد با من همکاری و این کتاب را منتشر کند. این اتفاق مانند معجزه برای من بود.

**در مراسم پایانی جایزه جلال، شاهد حضور پرشمار ناشران، نویسندگان و فعالان حوزه کتاب بودیم. رویکرد شما به این موضوع چیست، آیا فکر می‌کنید برگزاری مراسم پایانی با حضور پرشمار فعالان می‌تواند توجه‌ها را به جایزه جلب کند و تأثیری بر تولید در این حوزه بگذارد؟**
این که اهالی خانواده بزرگ ادبیات، از ناشران و نویسندگان گرفته تا فعالان حوزه کتاب و اهالی رسانه، حضور پررنگ و پر شوروی در اختتامیه جایزه ادبی جلال داشتند، اتفاق خوب و مبارک و البته دلگرم‌کننده بود. این که حوزه نشر و جریان ادبی کشور، به رغم تمام مشکلات و چالش‌های چند سال اخیر، علی‌الخصوص رکود سخت دوران کرونا و تنگنایهای اقتصادی و گرانی کاغذ و مشکلات عدیده دیگر که از آن باخبریم، در یک رویداد ادبی حول محور کتاب جایزه جلال و اهمیت این جایزه در جریان‌های ادبی، فکر می‌کنم دآوری‌های معتبر و درستی انجام شده‌است. چنین جایزه معتبری نمی‌تواند دآوری ضعیفی داشته باشد و انشالله را به انطور باشد. وی انتخاب نویسنده‌گان جوان دآوری پانزدهمین دوره جایزه جلال را نکته مثبت این دوره

**در سالروز پایان ساخت عمارت تاج‌محل**

## رد پای معماری ایرانی در یکی از عجایب هفتگانه



بازتاب برای بازتاب تصویر مقبره در جهت شمالی‌جنوبی آن قرار گرفته است که حوض کوثر نامیده می‌شود. معماری چهارباغ توسط بابر، نخستین امپراتور گورکانی، به هند وارد شده است که نمادی از چهار رود جاری در



جنت بوده و مشابه باغ بهشتی است؛ این نوع معماری از باغ ایرانی ریشه گرفته است.

می‌توان گفت در بین بناهایی که خارج از ایران ساخته شده است و به نوعی یادآور فرهنگ و تمدن ایرانی است، هیچ بنایی

به اندازه باغ محل با عشق، افسانه و هنر آمیخته نیست. این بنا نشان می‌دهد هنر و معماری ایرانی – اسلامی تا نقاطی دور

از خاک ایران نفوذ کرده و تأثیرگذار بوده است. این مجموعه برای ایرانیان از این جهت

اهمیت دارد که الگوی طراحی آن بر اساس الگوهای طراحی معماری ایرانی استوار است

و به نوعی بازتاب فرهنگ معماری ایران در سرزمین هند است که در دوره گورکانیان

در تداوم معماری تیموری در آنجا شکل گرفت و توسعه یافت. طرح چهارطاق، چهار ایوانی برون‌گرا، چهارباغ، چهارسوی، چهارمنار، چهار برج، چهار دروازه و هشت بهشت از طراحی‌های ایرانی در معماری تاج محل

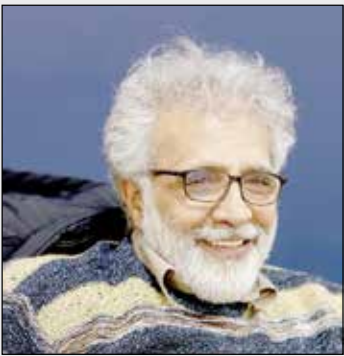
است.

اخبار کوتاه

**پهروز افخمی:**

**با اجرای «هفت»**

**می‌خواهم دون کیشوت بازی دربیآورم!**



پهروز افخمی درباره اجرای برنامه تلویزیونی «هفت» گفت: با خودم فکر کردم امسال که جشنواره تغییراتی کرده، خوب است یک دوره دیگر دون کیشوت بازی دربیآورم.

ایسن کارگردان سینما با تأیید خبر اجرایی برنامه تلویزیونی «هفت» هم‌زمان با چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر به ایسنا گفت: این برنامه قرار است به صورت زنده از شبکه «تماش» و احتمالاً از یک شب پیش از شروع رسمی جشنواره، پخش شود.

افخمی که اخیراً در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرده بود که مشغول آماده‌سازی ساخت فیلم «صبح اعدام» است و باید در همین فصل، پیش از آنکه برگ درخت‌ها سبز شود، آن را کلید بزند و تمام کند، درباره انگیزه‌اش از پذیرش اجرای این برنامه تلویزیونی گفت: فکر کردم با جشنواره امسال

و تغییراتی که کرده، خوب است یک دوره دیگر دون کیشوت بازی بادی می‌چکنیم. افخمی که سال گذشته عضو هیات انتخاب جشنواره بود، امسال به عنوان تهیه‌کننده فیلم «استاده» به کارگردانی عماد حسینی در جشنواره فجر حضور دارد.

این فیلمساز درباره جشنواره امسال که حاشیه‌هایی داشته معتقد است: جشنواره فجر یک خصوصیت غیرقابل پیش‌بینی دارد که باعث می‌شود راحت نتوان درباره آن نظر داد مثلاً نمی‌دانم تعداد فیلمسازهای اول چقدر است ولی همیشه این‌ها باعث حیرت می‌شوند و قوانین بازی را عوض می‌کنند.

### خانه هنرمندان ایران میزبان «همه مردان رئیس‌جمهور»

پانصدویست‌وششمین برنامه سینماتک خانه هنرمندان ایران که روز دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱ در ساعت ۱۷ در سالن استاد ناصری برگزار می‌شود، به نمایش فیلم سینمایی «همه مردان رئیس‌جمهور» ساخته آنن جی پاکولا محصول ۱۹۷۶ اختصاص دارد.

به گزارش ایرنا پس از نمایش فیلم، نشست نقد و بررسی با حضور سعید ارکان‌زاده یزدی روزنامه‌نگار و دکترای فرهنگ و ارتباطات با موضوع «نسبت رسانه با قدرت» برگزار می‌شود.

همه مردان رئیس‌جمهور درباره تقلب انتخاباتی در زمان ریچارد نیکسون که به رسوایی واترگیت مشهور شد و استعفا‌ی نیکسون را از ریاست جمهوری آمریکا در پی داشت، است. این فیلم نامزد هشت جایزه اسکار بود که چهار جایزه را دریافت کرد.

داستان این فیلم بر اساس ماجرای واقعی نوشته شده‌است. ماجرای که در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۲ در دوره ریاست جمهوری ریچارد نیکسون از ستاد فرماندهی مودکرات‌ها در واشینگتن با دستگیری پنج سارق با وسایل گران‌استراق سمع آغاز می‌شود و با ورود بوب ودوارد (رابرت ردفورد) گزارشگر تازه‌کار واشینگتن پست و کارل برنستاین (داستین هافمن) گزارشگر پرنترزی و بی‌گیر روزنامه وارد مرحله نازمای می‌شود.

**کله یک بازیگر:**

**فیلتر شدن اینستاگرام، باید کار ما را تعطیل کند!؟**

محمد حاتمی گفت:

نمی‌دانم این حکم از کجا صادر شده که فیلترینگ اینستاگرام باید باعث تعطیلی کار ما شود. این کارگردان و بازیگر تئاتر در گفتگو با ایسنا از توقف جریان تئاتری سخن گفت

و البته تأکید کرد که قصد ندارد حکمی بدهد اما این پرسش را دارد که نظربه تعطیلی تئاتر در شرایط فعلی ، از کجا نشأت گرفته است.

او با اشاره به عقیده بخشی از جامعه تئاتری مبنی بر تعطیلی تئاتر در شرایط فعلی افزود: در حال حاضر این تفکر در اذهان بخشی از جامعه تئاتری شکل گرفته که در شرایط اجتماعی فعلی نباید تئاتر کار کرد. حالیکه این عقیده حتی در حد یک تصمیم هم نیست و بیشتر در حد یک کامنت (نظر) در فضای مجازی است. این یک تصمیم جمعی نیست که مثلاً امسال تئاتر کار نکنیم یا بخشی از تئاتر را که در قالب جشنواره است، نبذیریم.

حاتمی با بیان اینکه قصد ندارد برای کسی حکم صادر کند، خاطرنشان کرد:اصولاً آدمی هستم که از اول به طور مستقل کار کرده‌ام و حتی خود را رهاتر از محصور شدن در قالب یک گروه می‌دانم.

سال‌ها پیش گروهی به نام «جم» درست کردم ولی اعضای آن آزاد بودند که با گروه‌های دیگر همکاری و ایجاد تفکر است. آیا می‌توان جلوی تفکر را در مقاطع بیکاری، زندگی اعضای آن گروه را تامین کند. کمپانی‌ها چنین قدرتی دارند و اعضای خود را استخدام می‌کنند ولی ما از وضعیت کمپانی بودن فرسنگ‌ها فاصله داریم و بیشتر در رودریاستی با یکدیگر است که گاهی پشت‌سر هم با یک گروه یا کارگردان همکاری می‌کنیم.

او با تأکید بر اینکه هر هیچ موجی سوار نخواهم شد، یادآوری کرد: ۱۴ سال است که در هیچ جشنواره‌ای شرکت نکرده‌ام و دلایل خاصی خود را هم دارم. همیشه اعتقاد داشته‌ام که تئاتر باید جریان طبیعی خود را طی کند، فارغ از اینکه در جشنواره‌های شرکت کند یا نکند.

الان هم همه سخنرانم درباره جریان کلی تئاتر است و درباره هیچ جشنواره‌های صحبت نمی‌کنم. حاتمی با اشاره به محدودیت‌های چند ماهه اخیر در فضای مجازی افزود: تئاتر همیشه باید جریان حرفه‌ای خود را طی کند. آیا چون امروز اینستاگرام فیلتر شده، باید تئاتر را تعطیل کرد!؟ وظیفه تئاتر اندیشه‌ورزی و ایجاد تفکر است. آیا می‌توان جلوی تفکر را گرفت؟ مگر چند سال است که فضای مجازی به وجود آمده، قبل از آن چه می‌کردیم. کدام یک از بزرگان ما بوده که پوستر نمایشش را پشت در کافه‌ها و کتافروشی‌ها نچسبانده باشد.

سال ۵۷ در اوج انقلاب ما نمایشی اجرا می‌کردیم و کارگردان کار پشت موتور از میدان امام حسین تا سالن اجرا مدام اسم نمایش را تکرار می‌کرد. ما با این شیوه‌ها، مخاطب را از اجرای نمایش‌های خود با خبر می‌کردیم. حالا که فضای مجازی محدود شده، باید کارمان را تعطیل کنیم؟! آیا نباید کمی جنگنده باشیم و راه دیگری پیدا کنیم، اگر قرار باشد ما همان آدم‌های دیروز باشیم و توانیم برای مشکلات و محدودیت‌های امروز چاره‌جویی کنیم، پس تکلیف رشد انسان چه می‌شود.

او تأکید کرد: تئاتر همیشه باید در جریان باشد. مگر می‌توان جلوی حرکت روخوانه را گرفت.

وقتی تئاتری در جریان نباشد، اتفاقی هم نمی‌افتد. مثل اینکه بگوییم سه ماه کتاب نخوانیم. خب سهه سال از زندگی و اندیشه عقب می‌افتیم. مگر می‌توان جریان فرهنگ و تفکر را متوقف کرد. بخصوص درباره تئاتر که اساس آن اندیشه‌ورزی است. تئاتر مانند بخش عمده‌ای از آثار سینمایی نیست که بیشتر به دنبال ایجاد سرگرمی یا تفریح باشد.

حاتمی که دستی هم بر نوشتن دارد، بار دیگر یادآوری کرد: سنسوال من این است که حکم تعطیلی تئاتر در شرایط فعلی از کجا صادر شده. معیشت یک طرف ماجراست و مسئولیت شغلی بحث دیگری است.

هر یک از مشاغل وظایفی دارند ولی شغل فرهنگی، وظیفه‌ای بسیار رفیع و حساس است. درصد بالایی از ارزش تئاتر به دلیل پرورش انسان و تفکرات نو است. حال اینکه تئاتر در سسید متصرف صرف خانواده قرار دارد یا نه، بحث مهمی است که مدام باید بر آن کار کنیم ولی با این تعطیلی راه به جایی نمی‌بریم. مثل این است که تصمیم بگیریم یک هفته فکر نکنیم، خب در ذهن خالی ما چه اتفاقی می‌افتد. چه کسی از این توقف، متضرر می‌شود، این نکته‌ای است که نباید از آن غافل شویم.